

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فریبرز سنجری

۳۰ جون ۲۰۱۹

توضیح: آن چه در زیر می آید متن مصاحبه کانال "بذرهای ماندگار" با رفیق فریبرز سنجری در ارتباط با تشدید تشنج در خلیج فارس می باشد که در تاریخ ۶ جون ۲۰۱۹ انجام گرفته است. این مصاحبه از حالت گفتاری به نوشتاری تبدیل شده و با برخی اصلاحات جزئی به این وسیله در اختیار علاقه مندان قرار داده می شود. فایل صوتی مصاحبه از طریق لینک زیر قابل دسترسی می باشد: <https://www.youtube.com/watch?v=II18IYMX5d0>

در باره تشدید تشنج در خلیج فارس

(مصاحبه بذرهای ماندگار با رفیق فریبرز سنجری)

پرسشگر کانال بذرهای ماندگار: با صمیمانه ترین درود ها به شنوندگان کانال "بذر های ماندگار" کانال تلگرامی چریکهای فدائی خلق ایران. بالا گرفتن فضای تشنج در منطقه و گزارشات خبرگزاری ها در رابطه با احتمال حمله ایالات متحده امریکا به ایران، همان طور که باعث نگرانی مردم ستمدیده ما شده به پرسش های بسیاری هم دامن زده است. برخی از این پرسش ها را با رفیق فریبرز سنجری از مسئولین چریکهای فدائی خلق ایران در میان گذاشتیم تا شنوندگان کانال بذر های ماندگار بیشتر در جریان نگاه چریکهای فدائی خلق به این تشنجات و وظایفی که اوضاع کنونی از نظر آنها مقابل توده ها و نیرو های انقلابی قرار می دهد قرار بگیرند.

پرسشگر: با درود به رفیق سنجری و با سپاس از این که دعوت ما را برای این گفتگو پذیرا شدید.

رفیق سنجری: با تشکر از شما که همیشه در سازماندهی چنین گفتگوهای پیشقدم هستید.

پرسش: رفیق سنجری همان طور که می دانید این روز ها بخش بزرگی از رسانه ها از احتمال یک جنگ جدید در خلیج فارس خبر می دهند. برخی از آن ها مدعی اند که جمهوری اسلامی همان طور که دولت امریکا اعلام کرده عامل بی ثباتی در خاورمیانه است، و به همین خاطر باعث شکل گیری اوضاع متشنج کنونی شده. به نظر شما چنین تبلیغاتی تا چه حد با واقعیت انطباق دارد؟

پاسخ: قبل از هر چیز بگذارید درود های گرم خود را به شنوندگان کانال بذر های ماندگار چریکهای فدائی خلق بفرستیم. امروز شاهدیم که از یک سو هر روز خبرگزاری ها خبر جدیدی در مورد احتمال درگیری بین امریکا و جمهوری اسلامی را تیتز اخبار خودشون می کنند و از سوی دیگر هم رسانه های مختلف ارتجاع تحلیل ها و تفسیرهایی در این مورد به دست می دهند. به نظر من کار رسانه های امپریالیستی اساساً بدون اشاعه دروغ پیش نمیره و به همین خاطر هم نباید آن تعبیر و تفسیرها را مبنای تحلیل و قضاوت خودمون قرار بدهیم و یا اسیر آن تبلیغات بشیم.

اما، این که جمهوری اسلامی یکی از عوامل بوجود آورنده و تشدید کننده اوضاع متشنج خاورمیانه است، شکی در آن نیست. تنها نگاهی به دخالت‌های نظامی جمهوری اسلامی در منطقه و نقشی که در عراق، سوریه، لبنان، افغانستان و غیره ایفاء می کنه و نتایج حاصل از آنها، هیچ شکی در این زمینه باقی نمی گذاره. اما اگر کسی بخواهد در همین نقطه توقف کنه و تنها جمهوری اسلامی را عامل بی ثباتی در خاورمیانه معرفی کنه، دیگر قادر به درک اوضاع کنونی نخواهد بود. اولاً در این منطقه بحرانی، اسرائیل و عربستان و ترکیه هم حضور دارند و هر کدام در متشنج کردن منطقه دست کمی از جمهوری اسلامی ندارند. من دیگه به بقیه کشور ها و نیرو های عامل تشنج نمی پردازم تا این پاسخ طولانی نشه. بر اساس این ادعای نادرست که گویا جمهوری اسلامی تنها عامل بی ثباتی در خاورمیانه است، امریکا از برجام خارج شد و اعلام کرد که قصد داره صدور نفت ایران را به صفر برسانه و یک چنین برنامه های و به این دلیل و با این فشار ها جمهوری اسلامی سرانجام "رفتار بی ثبات کننده" خودش را تغییر بدهد. اما این ادعا ها توضیح دهنده آن چه در واقعیت می گذرد نیستند.

برای اینکه موضوع روشن تر بشه همین اسرائیل را در نظر بگیرید. سالهاست که این دولت صهیونیستی، بدهی ترین حقوق اولیه مردم ستمدیده فلسطین را پایمال سیاستهای تبعیض نژادی و شوینیستی خودش کرده، تا توانسته خاک فلسطین را اشغال و ضمیمه قلمرو خودش کرده و میلیونها فلسطینی را بی خانمان و آواره کرده. روزی نیست که اسرائیل تعدادی از مردم فلسطین را نکشد و حق آنها را پایمال زورگویی های خودش نکند. به همین دلیل هم اسرائیل همواره باعث تشنج در منطقه بوده و هست. اما باز هم همین امریکائی ها آن را کشوری دمکراتیک و عامل ثبات در منطقه می نامند. جدا از این، دولت اسرائیل رسماً اعلام می کنه که در مدت کوتاهی بیش از ۱۲۰ بار اهدافی را در خاک سوریه بمباران کرده. اما رسانه های امپریالیستی برایش دست می زنند و اون را جزو نیروهای ایجاد ثبات در منطقه جلوه می دهند! به همین دلیل هم اصلاً خواهان تغییر سیاست جنگ طلبی دائم و مستمر این دولت صهیونیستی و رفتار بی ثبات کننده اش در منطقه خاورمیانه نیستند. این مساله که اسرائیل انباری از سلاحهای اتمی و کشتار جمعی را هم در اختیار دارد و هیچ یک از پیمانهای بین المللی را در این زمینه را امضاء نکرده است هم مساله دولت امریکا نیست. اما کیه که نداند که در ۷۰ سال گذشته یکی از عوامل اصلی تشنج و بحران و جنگ در منطقه همین اسرائیل با سیاستهای ضد فلسطینی اش بوده است.

حال رفتار ترکیه را در نظر بگیریم که در شرایطی که با کشور همسایه اش سوریه رسماً در جنگ نیست، اما با وقاحت تمام بخشی از خاک این کشور را اشغال کرده و به قتل و کشتار به خصوص کردها در آن جا مشغوله. با این حال این رفتار تشنج آفرین دولت ترکیه مانند رفتارهای ضد مردمی جمهوری اسلامی در مرکز توجه و تمرکز سیاست امریکا قرار نمی گیره، و امپریالیستها و رسانه های وابسته به آن ها این نیروی تشنج آفرین را جزء نیرو های ثبات در منطقه جا می زنند. در مورد عربستان هم که هر چه گفته بشه کم است. این دولت چند ساله که وحشیانه به کشور همسایه اش یمن لشکر کشیده و در بمباران هائی که کرده چنان جنایاتی آفریده و مردم عادی و بیگناه از جمله کودکان یمنی را در چنان ابعادی به قتل رسانده که حتی صدای نهاد ها و مراکز مدافع حقوق بشر در غرب هم در آمده و برخی از آنها

اعمال این کشور در یمن را "جنایت علیه بشریت" اعلام کرده اند. اما خوب چون عربستان متحد علنی امریکا و خریدار اصلی سلاح های امریکانیه و چون سیاست امریکا ایجاب می کند که از لشکر کشی به یمن دفاع کنه، عربستان هم صاحب مدال نیروی ثبات شده و با وجود همه جنگ افروزی هاش، از سوی مقامات امریکا لقب "تشنج آفرین" را نگرفته. آیا لازمه از بودجه ای که عربستان صرف شکل گیری داعش کرد و یا کمک های کنونی اش به بقایای القاعده در سوریه بگویم؟ همین چند روز پیش بود که چند نفر از اعضای داعش را در افغانستان دستگیر کردند که حدود ۸۰۰ هزار ریال سعودی با خودشون داشتند. پس نباید فریب ادعاها و تبلیغات امپریالیستها و مزدورانشان را خورد و باور کرد که گویا امریکا مخالف تشنج آفرینی در منطقه است و به این خاطر خواهان اصلاح "تغییر رفتار جمهوری اسلامی" شده است.

اتفاقا اگر خوب توجه کنیم می بینیم که عامل اصلی بی ثباتی در منطقه و تشنج و جنگ در آن، خود امپریالیستها می باشند که سیاست های جنگ طلبانه و بحران آفرین خودشون را از طریق دولتهای مرتجع منطقه و از جمله جمهوری اسلامی، در اشکال مختلف در منطقه پیش می برند. چون این پاسخ کمی طولانی شد بگذارید تنها تاکید کنم که اگر نیروئی و فردی در تحلیل اوضاع منطقه و تنش های کنونی نخواهد و یا نتواند متوجه نقش خود امپریالیستها و رقابت ها و کشمکش ها و زیاده خواهی های آنها بشود، به هیچ وجه قادر به درک اوضاع کنونی نخواهد بود. عامل اصلی وضع دردناک کنونی در خاورمیانه سیاستهای ضد مردمی امپریالیستها به خصوص امپریالیسم امریکا و رقابت هاش با دیگر امپریالیستها برای کسب حداکثر منافع حاصل از دست رنج توده ها در منطقه می باشد. خلاصه آنکه اوضاع کنونی در خاورمیانه محصول سیاستهای جنگ طلبانه امپریالیستهاست که به کمک عوامل خودشون که یکی از آنها جمهوری اسلامی است، آنها را علیه مردم منطقه به پیش می برند.

پرسش: شما در صحبتهاتون تأکید کردید که برای تحلیل تنش هایی که امروز در منطقه وجود دارن باید به نقش امپریالیستها و تضاد و رقابت و کشمکش های آنها توجه کرد، و گفتید که جمهوری اسلامی سیاست امپریالیستها را در منطقه پیش می بره. آیا می شه در این مورد بیشتر توضیح بدهید.

پاسخ: ببینید امپریالیستها در بیش از صد سال گذشته دو جنگ جهانی و صدها جنگ محلی و منطقه ای بر مردم ستمدیده این کره خاکی تحمیل کرده اند. همه این جنگ ها دلایل روشن اقتصادی داشته اند. برای نمونه در دو جنگ جهانی اول و دوم آلمان و همپیمانانش خواهان بازارها و مناطق نفوذی در جهان تقسیم شده بودند که انگلستان و فرانسه به عنوان بزرگترین امپریالیستهای صاحب نفوذ در آن زمان حاضر به تن دادن به این خواست نبودند. خوب وقتی مذاکره راه به جایی نبرد، جنگ در دستور کار قرار گرفت و دیدیم که سرمایه داران برای منافع خودشون چه بر سر توده های ستمدیده آوردند و چه کشتاری از مردم صورت گرفت. بنابراین در تحلیل برخوردهای امروز امپریالیستها هم باید منافع مادی آنها را مورد بررسی قرار داد. این موضوع در مورد عملکردهای جمهوری اسلامی هم مطرح است.

ببینید هیچ رژیمی برای رضای خدا سیاست گذاری نمی کند. این افسانه ها که جمهوری اسلامی به خاطر صدور انقلاب اسلامی اش و یا اشاعه اسلام و شیعه و یا کسب هژمونی در منطقه میلیارد ها دلار صرف حضور نظامی اش در کشور های دیگه منطقه کرده با واقعیت جمهوری اسلامی که تنها برای پیشبرد سیاست های امپریالیستها بر سرکار آمده و در طی چهل سال گذشته در همین خط حرکت می کند، هیچ تطابقی نداره. به همین دلیل هم بهتره آنها را نادیده گرفته و کنار گذاشت. چرا؟ چون به خصوص مارکسیستها همواره به درستی گفته و تاکید کرده اند که جنگ ادامه سیاسته با روشهای دیگر و سیاست را بیان فشرده اقتصاد دانسته اند. بر این اساس کسانی که خودشون را مارکسیست می نامند به هیچ وجه

جایز نیستند به چنین افسانه پردازیهائی تکیه کنند. مارکسیست ها باید با تکیه بر همین اصولی که گفتیم به تحلیل رویداد ها بپردازند نه اینکه راوی تحلیل های غیر واقعی رسانه های بورژوائی با ادبیات ظاهراً چپ شوند. اگر واقعیت هائی که بیان کردم مبنای تحلیل رویدادهای جاری قرار بگیرد ، روشنه که پس باید دید آن منافع اقتصادی که چنین سیاستی فشرده آن می باشد چیست. آنگاه این سؤال ها مطرح می شوند که آیا اقتصاد وابسته و بحران زده ایران که حتی قادر به تامین بازارهای داخلی خودش نمی باشد و چرخ این اقتصاد با واردات حجم بزرگی از کالا ها از خارج می چرخد چه سودی از صرف میلیارد ها دلار در لبنان جهت تقویت حزب الله نصیبش می شه؟ آیا ساختن هزاران خانه و بیمارستان در سوریه و لبنان در شرایطی که پروژه مسکن مهرش در داخل کشور روی دستش مانده و خود خبرگزاری های جمهوری اسلامی از عقب ماندن و ناتوانی اقتصاد کشور در تامین مسکن مورد نیاز جامعه در حد ۸۰۰ هزار واحد مسکونی در سال خبر می دهند، توجیه اقتصادی داره و سودی به خزانه این رژیم می ریزه؟ یا هزینه این برنامه ها در شرایط زندگی نیمی از جامعه در زیر خط فقر و عدم پرداخت حقوق میلیونها کارگر باری است بر بودجه دولتی؟ به خصوص در شرایطی که مردم جان به لب رسیده در خیابانها فریاد می زنند: "سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن". در حالی که این عملکردها میلیارد ها دلار نصیب امپریالیستها و به ویژه امپریالیسم امریکا می کنه. برای تنها یک نمونه همین چند روز پیش اعلام شد که دولت ترمپ بدون نظر کنگره این کشور به بهانه تنشهای کنونی در منطقه چند میلیارد دلار تجهیزات نظامی به عربستان فروخته است.

پرسش: رفیق سنجری در تحلیل چریکهای فدائی خلق گفته می شه که جمهوری اسلامی پیش برنده سیاستهای امپریالیستها و از جمله امپریالیسم امریکا در منطقه است. اگر این طوره پس چرا امریکائی ها خواهان تغییر رفتار این رژیم شده اند. تا آن جا که وزیر خارجه امریکا رسماً اعلام می کنه که "ما خواستار رفتار نُرمال جمهوری اسلامی ایران هستیم". مگر مطابق آن چه شما می گوئید رفتار به قول آنها، غیر "نُرمال" جمهوری اسلامی در خط خود امپریالیستها نبوده و نیست؟

پاسخ: همان طور که توضیح دادم کشورهائی که از نظر تبلیغات رسانه های امپریالیسی رفتار و سیاست هاشون "نُرمال" تلقی می شه در تشنج آفرینی در منطقه هیچ فرق اساسی با جمهوری اسلامی به اصطلاح غیر نُرمال ندارند. تفاوت ها در نقش های گوناگونی که این رژیم ها در جهت پیشبرد سیاستهای اربابانشون عهده دار شده اند. یکی باید مردم یمن را سلاخی کند و دیگری خلق فلسطین را و اون یکی خلق کُرد را ، شکل ها و موضوعات متفاوت اند اما همه در یک اُرکستر می زنند و می نوازند. پس این ادعاها و تبلیغات را نباید باور کرد و جدی گرفت و بدتر از همه ، پایه و اساس تحلیل خودمون از اوضاع قرار بدهیم. نباید فریب این ادعا ها را خورد. با این توضیح ضروری حالا لازمه تاکید کنم که از نظر چریکهای فدائی خلق، جمهوری اسلامی رژیمی وابسته به امپریالیسمه که سیاست خارجی اش درست انعکاس همین وابستگی است. به باور ما به دلایل ماجراجوئی های جمهوری اسلامی در منطقه نمی شه پی برد مگر این که این وابستگی و قدرتهای اصلی ای که از این ماجراجوئی ها نفع می برند و آن را سازمان داده اند در نظر گرفته بشه. در همین راستاست که ما همواره گفته و تاکید کرده ایم که برعکس تبلیغات فریبکارانه رایج ، آن چه جمهوری اسلامی در منطقه می کنه درست در همان خطی است که امپریالیسم امریکا همراه با امپریالیستها دیگر خواهان آن می باشند. این که این خط در اساس در جهت منافع امریکاست واقعیتی انکار ناپذیره که در تحلیل های سازمان ما با تکیه بر فاکت های گوناگون تشریح شده است.

الان هم اگر بخواهیم با آنچه در منطقه می گذرد علمی برخورد کنیم باید دلایل اقتصادی لشکرکشی ها و خرجهای میلیاردی جمهوری اسلامی را در نظر بگیریم و اگر چنین کنیم می بینیم که سیاستی که این رژیم در منطقه پیش می بره ، سیاستی است درست در جهت منافع امپریالیستها که نیروی انسانی و خرجش را جمهوری اسلامی می ده و سودش را امپریالیستها و به خصوص امپریالیسم امریکا به جیب می زنند. در شرایطی که امریکائی ها در تلاشند تا در رقابت با بقیه امپریالیستها سهم هر چه بیشتری از منافع موجود در منطقه را به جیب بزنند و با تنش و بحران سازی بازار فروشی برای تجهیزات نظامی خودشان درست کنند و در تقابل با رقبایشان حضور نظامی خودشان را در منطقه تشدید و توجیه کنند خوب رفتار غیر نُرمال جمهوری اسلامی می شه همان عاملی که آنها برای پیشبرد این سیاست به آن نیاز دارند. یک چهره شر و تروریست از جمهوری اسلامی مطرح می شه که در مقابله با آن تازه می شه امریکائی ها ، خودشان را ناجی آزادی و مخالف تروریسم هم جا بزنند. ناجی ای که "بزرگترین دولت تروریستی" جهان را تحریم کرده و سپاه پاسداران سرکوبگر آن را در لیست تروریستی خودش قرار داده است. همان سپاه پاسدارانی که تا دیروز نقش پیاده نظام ارتش امریکا در جدال با داعش را ایفا می کرد و در تجاوز نظامی امریکا به افغانستان و عراق کمک کننده به نیروی متجاوز بود. اگر به میلیارد ها دلاری که امریکا با کوبیدن بر طبل "ایران هراسی" به جیب زده توجه کنیم آن موقع بهتر می توانیم دلایل رفتار غیر نُرمال جمهوری اسلامی را در جهت منافع امپریالیستها درک کنیم. بنابراین اگر ادعاها و تبلیغات را کنار بگذاریم و به منافعی که عملکرد جمهوری اسلامی نصیب امپریالیسم می کنه توجه کنیم متوجه می شویم که اتفاقا جمهوری اسلامی با همین رفتار هاش به نفع امریکا عمل می کنه. بنابراین خواست "تغییر رفتار جمهوری اسلامی" که از طرف امریکا مطرح می شه را نمی شه جدی گرفت. دولت ترمپ امروز خودش را حامی مبارزات مردم ایران قلمداد می کند و وزیر خارجه اش ۱۲ شرط برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی برشمرده. اما این ها ترندهائی است که امریکا برای پیشبرد سیاست هایش لازم داشته و آن ها را به کار گرفته.

پرسش: شما در صحبتهاتون به اقدام امریکا در گذاشتن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی اشاره کردید. امری که در تبلیغات جمهوری اسلامی به حساب ضد امریکائی و ضد امپریالیست بودن سپاه گذاشته می شود. در سیاست "ایران هراسی" که گفتید این تحریم ها و تروریست خواندن ها چه جایگاهی دارند؟

پاسخ: خوب این تحریمها و "تروریست خواندن ها" اتفاقا جایگاهش درست در راستای همان سیاست ایران هراسی و در جهت توجیه آن قرار داره. وقتی که ترمپ از برجام خارج شد و تحریم ها را دوباره بازگرداند و حتی تاکید کرد که هدفش اینه که صدور نفت جمهوری اسلامی را به صفر برسانه ، سیاستی را در پیش گرفت که عملا معنایی جز تشدید تنش و کوبیدن بر طبل بحرانی که خود آفریده و از قبل آن سود می برد، نداشت و نداره. در چنین اوضاعی و برای چنین هدفی گذاشتن سپاه پاسداران در لیست تروریستی زیاد امر غیر عادی ای نیست، به خصوص که از قبل از اعلام این تصمیم ، سپاه قدس که بخشی از همین نیروی نظامی می باشه از سوی دولت امریکا تحریم شده بود. وقتی دولت ترمپ ادعا می کند که با تحریم های اعمال شده ، اقتصاد جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار خواهد داد و در عمل هم بخش بزرگی از اقتصاد کشور دست سپاه پاسدارانه ، روشنه که با قرار دادن نام سپاه در لیست تروریستی عملا این بخش از اقتصاد کشور هم زیر برنامه تحریم های امریکا قرار می گیره. اولاً باید در نظر داشت که مهمترین نتیجه این تحریم ها، محدود کردن دست رقبای امریکا در بازار ایرانیه. ثانیاً اگر به یک نمونه از منافع امریکا از این تحریم ها مثلاً تحریم نفت ایران توجه کنیم، می بینیم که تحریم نفت ایران باعث می شه که چند میلیون بشکه نفت از بازار این کالا

خارج بشه و خوب خود این کمبود شرایط را برای صادرات بیشتر نفت امریکا و بازی با قیمت این کالا در جهت منافع شرکت‌های نفتی اش تسهیل می کند.

جدا از این، امریکا در فضای متشنجی که با جمهوری اسلامی شکل داده با چنین اقدامی سنت گذاری جدیدی هم می کند که در آینده به وی امکان می ده نیرو های نظامی کشور های مخالفش را بگذارد در لیست تروریستی اش و آنها را تحریم کند. این امر بطور منطقی و در صورت لزوم دست امریکا را در برخورد نظامی زیر نام مبارزه با تروریسم با چنین نیرو هائی باز تر می کند و به این دولت کمک می کند تا هر لحظه نیاز به تشدید فضای تشنج داشته باشد با تکیه بر این عامل، سیاست خودش را پیش ببرد. به خصوص که باید دانست درج نام چنین نهاد هائی در لیست سیاه امریکا جلوی روابط امریکا با چنین گروه هائی را هم نمی گیرد. برای نمونه القاعده و داعش و غیره مگر در چنین لیستی قرار نداشتند در حالیکه دهها گزارش منتشر شده نشان می دهند که امریکائی ها با آنها در تماس بوده و حتی کمکشان هم می کردند.

پرسش: یعنی شما معتقدید که برغم این تحریم های کمر شکن و آوردن ناو های جنگی و نیروی نظامی در منطقه، جنگی در کار نیست؟

پاسخ: ببینید اشتباه نشه من در مورد این که شما پرسیدید آیا قرار دادن نام سپاه در لیست تروریستی نشانه قصد ایالات متحده امریکا در حال حاضر برای جنگه توضیح دادم که از صرف این اقدام چنین نتیجه ای را نمی شود گرفت. ما معتقدیم که اگر نخواهیم تمایلات عملی خودمان را جای سیر واقعی رویداد ها قرار بدهیم برای پیش بینی آن چه رخ خواهد داد - تا آنجائی که این پیش بینی امکان پذیر باشد - باید همه فاکت های عینی و اسناد و مدارک معتبر را در نظر بگیریم و از جمله وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیسم و عملکردش در چهل سال گذشته به نفع امپریالیستها را فراموش نکنیم. به باور ما همان طور که نمی شود از وجود گرایشات و افراد جنگ طلب در کابینه ترمپ و رجز خوانی ها آنها حکم به قطعیت شروع جنگ داد همان طور هم نمی شه تاکیدات افرادی مثل وزیر خارجه امریکا مبنی بر عدم تمایلش به حمله به ایران و یا سخنان خود ترمپ مثلاً در ملاقات اخیرش با نخست وزیر ژاپن و پشتیبانی علنی اش از سران رژیم را جدی گرفت که تأکید کرد که مسأله اش با ایران فقط در مورد سلاح اتمی است. فراموش نکنیم که در دوران ریاست جمهوری بوش پسر، مساله حمله به ایران مطرح بود اما به دنبال گزارش نهاد های اطلاعاتی امریکا مبنی بر توقف فعالیت های اتمی جمهوری اسلامی عملی نشد. امروز هستند نیرو هائی که با تکیه بر تبلیغات انتخاباتی ترمپ در زمان انتخابات ریاست جمهوری اش علیه جنگ در عراق و افغانستان مدعی می شوند که جنگ در دستور کار دولت ترمپ نیست. اما این نیروها متوجه نیستند که سیاست عملی امریکا در یک چهارچوب کلی تعیین می شه که لزوماً ربطی به تبلیغات انتخاباتی صرف ندارد.

اما در مورد تحریم ها و تدارکات نظامی باید تأکید کنم که درسته که حاصل این تحریم ها در درجه اول تشدید رنج و محرومیت مردم تحت ستم ایران، اما این تحریم ها را نباید صرفاً در رابطه ایران و امریکا دید. امریکا با این تحریم ها هدف های خاصی را دنبال می کنه که یکی از آنها کوتاه کردن دست رقبای امریکا از بازار ایرانیه که در عمل هم این طور شده. امریکا نه فقط با این تحریم ها، امپریالیست های دیگر را تحت فشار قرار داده بلکه منافع دیگری هم از این تحریم ها می برد. مثلاً در موضوع تحریم نفت باید بدونیم که امریکائی ها که در سالهای اخیر در حوزه نفت شیل پیشرفت های بزرگی کرده اند که عملاً آنها را به بزرگترین تولید کننده نفت جهان تبدیل کرده. الان چند ساله که آنها در کنار روسیه و عربستان به عنوان بزرگترین صادرکنندگان نفت قرار گرفته اند. خب، حالا، آنها با تشنجاتی که در لیبی

و ونزولنا و ایران آفریده اند و تحریم هائی که اعمال نموده اند عملاً حجم بزرگی از نفت صادراتی این کشور ها را از بازار خارج کرده اند و با این اقدام، هم برای صادرات نفت خودشون بازار پیدا کرده اند و هم قیمتها را در حدی کنترل کرده اند که امکان تولید نفت شل که هزینه تولیدش تا حد زیادی بالاست را امکان پذیر بکنه. بنابراین امپریالیسم امریکا با جلوگیری از صدور نفت یک سری کشور ها از جمله ایران به اشکال مختلف کار خودش را پیش برده و میلیاردها دلار به جیب زده. در ضمن در حوزه سیاسی هم آنها از این تحریم ها برای سیاست چهره شر ساختن از جمهوری اسلامی و استفاده از فضای ایران هراسی به نفع پیشبرد سیاست هایشان در منطقه استفاده می کنند.

بنابراین، در حالی که هر برخوردی را از طرف امریکا نباید فوری به حساب آغاز جنگ گذاشت، در عین حال هم نمی شه به طور کلی امکان حمله را نفی کرد. در حال حاضر آن چه به طور عینی واضح و عیان، اینه که آنها دارند با تحمیل فقر و گرسنگی بر دیگران، جیبهای خودشان را پر می کنند، امری که ذاتی سلطه امپریالیستی می باشد.

پرسش: آیا گذاشتن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی به معنای قصد امریکا برای جنگ نیست؟

پاسخ: به صرف قرار دادن سپاه در لیست تروریستی نمی شه چنین نتیجه ای گرفت. امریکا به هر بهانه ای می تواند سیاست جنگی اش را پیش ببرد. مثلاً مگر برای امریکا کاری دارد که فردا یک قایق به ناوهایش در خلیج فارس حمله کند و این کار را به حساب جمهوری اسلامی بگذاره و همین امر را دستاویز حمله اش به این رژیم قرار بدهد؟ مگر فراموش کرده ایم که برای هجوم به عراق و اشغال این کشور امریکائی ها چه دروغها و بهانه هائی ساختند. از سلاح های شمیائی و کشتار جمعی حرف زدند اما حتی بعد از حمله و اشغال کامل عراق هم نتوانستند آن را پیدا و ادعاهای فریبکارانه خودشون را ثابت کنند، و روشن شد که همه آن داستان سرائی ها دروغی بیش نبوده. بنابراین گرچه قرار دادن سپاه (پاسداران) در لیست تروریستی دست امریکا را در پیشبرد دسیسه هایش در منطقه باز تر می کنه اما این به معنای شروع فوری جنگ با جمهوری اسلامی نیست. ببینید اگر امریکا می خواست اکنون به ایران حمله کنه فعالیتهای جمهوری اسلامی در منطقه هر بهانه لازمی را برای این برنامه در دسترش می گذاره. برای نمونه این روز ها وزیر خارجه این کشور و دستگاه تبلیغاتی امریکا صبح تا شب تهدید می کنند که نه تنها حمله جمهوری اسلامی به نیرو های امریکا بلکه حتی حمله نیرو های هوادار جمهوری اسلامی به نیرو های امریکا و یا متحدینشان را هم به حساب اقدام جنگی این رژیم می گذارند و به آن پاسخی سخت و سریع و قاطعانه خواهند داد!

خوب اگر قرار به عمل به این تهدید بود دیدیم که حوثی های یمن به خط لوله عربستان حمله کردند و رسماً هم مسئولیت حمله را پذیرفتند و ایالات متحده هم رسماً جمهوری اسلامی را حامی آنها اعلام کرده. با این حال امریکائی ها هیچ عکس العملی نشان ندادند. دیگه به انفجار در کشتی های نفتی امارات در فجیره و پرتاب کاتیوشا در منطقه سبز بغداد نمی پردازم. به رغم این اتفاقات اما ترمپ هر روز اعلام می کنه که خواهان حمله نظامی به جمهوری اسلامی و تغییر این رژیم نیست.

پرسش: رفیق سنجری با توجه به این واقعیت که شما رژیم جمهوری اسلامی را یک رژیم وابسته به امپریالیسم ارزیابی می کنید، آن وقت چطور حمله ارباب به نوکرش را توضیح می دهید؟

پاسخ: تجربه، این ادعای برخی از سیاستمداران بورژوا را ثابت کرده که امپریالیستها دوستان ثابت ندارند بلکه منافع ثابت دارند. یعنی آنها به دنبال منافع و مصالح خودشون هستند نه اینکه چه کسانی و در چه دوره ای به آنها چه خدمتی کرده اند. برای نمونه محمد رضا پهلوی آخرین شاه ایران را بیاد بیاورید که برای حفظ منافع اربابانش چه جنایت ها که

نکرد اما وقتی انقلاب مردم ایران اوج گرفت و وجود شاه با منافع و سیاستهای اربابانش در تخالف قرار گرفت، در کنفرانس گوادلوپ به قول ژیسکار دستن رئیس جمهور آن زمان فرانسه، کارتر زنگ پایان دورانش را به صدا در آورد. بعد ها خود شاه هم این گفته تیمسار ربیعی را تأیید کرد که در بیدادگاه جمهوری اسلامی گفته بود که "هویزر شاه را مثل موش مرده ای از ایران بیرون انداخت". بنابراین چه تجربه برخورد امپریالیستها با شاه و چه دهها نمونه دیگره عراق و افغانستان و لیبی و غیره نشان می دهند که امپریالیستها هیچگاه سرنوشت خود را با سرنوشت مزدورانشان گره نمی زنند. بنابراین در پاسخ این پرسش باید توجه شما را به این واقعیت جلب کنم که امپریالیستها وقتی مهره هایشان نقش لازم در جهت تامین منافع آنها را از دست بدهند، تردیدی در تغییر آن ها نخواهند کرد. همین امروز هم اگر جمهوری اسلامی نتوانه جنبش توده ای را سرکوب و جامعه را آن طور که مصالح امپریالیستها حکم می کنه کنترل کند، تردیدی نباید داشت که زنگ پایان عمرش را به صدا در خواهند آورد. یا هنگامی که پیشبرد یک سیاست بزرگ و استراتژیک در سطح بین المللی و مثلا ضرورت حضور نظامی مستقیم امریکا در ایران در رقابت با سایر امپریالیستها ضروری بشه (مثل مورد عراق)، در چنین حالتی آن ها خیلی راحت، جزء را فدای کل خواهند کرد. با در نظر گرفتن همه این واقعیت ها نباید ما فریب ترفند ها و تبلیغات ریاکارانه دشمن را بخوریم و هر رجز خوانی و یا دسیسه ای را به حساب فرارسیدن زمان "رژیم چنج" بگذاریم. به خصوص که در چهل سال گذشته همواره پرخاشگری علنی پوشش دوستی مخفیانه جمهوری اسلامی با امپریالیسم امریکا بوده است.

پرسش: همین طور که می دانید جمهوری اسلامی اعلام کرده که وارد هیچ مذاکره ای با امریکا نمی شه و ولی فقیه رژیم هم چنین مذاکره ای را سم نامیده، چقدر چنین ادعاها ئی را باید جدی تلقی کرد؟

پاسخ: ببینید ادعا ها و تبلیغات سردمداران جمهوری اسلامی فاقد هرگونه اصلتیه. همین خامنه ای که مذاکره با امریکا را امروز سم اعلام کرده خودش در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد اجازه شروع مذاکره بر سر پروژه هسته ای را داد. مذاکراتی که بعدا با روی کار آمدن دولت روحانی به توافقنامه برجام انجامید. اساسا اصطلاح نرمش قهرمانانه (در مقابل امریکا و بقیه امپریالیستها) از اختراعات خود خامنه ای ایست. بنابراین این پُر ها را نباید جدی گرفت. سردمداران جمهوری اسلامی نشان داده اند که اگر منافعشان حکم کند برای بقای خودشون جام زهر را هم سر می کشند. فراموش نکرده ایم که وقتی قرار بر امضای توافقنامه اتمی بین جمهوری اسلامی و کشورهای معروف به ۵ بعلاوه یک بود، همین ظریف میدان دار شده بود و هر روز با کری وزیر خارجه امریکا در دوران اوباما عکس یادگاری می گرفتند. خوب امروز هم که قراره فضا جنگی بشه و هر روز از انفجار و موشک پرانی خبر می دهند قاسم سلیمانی را جلو می اندازند و سپاه پاسداران را در لیست تروریستی قرار می دهند.

پرسش: شما در این مدت زمان محدود اوضاع پیش آمده را تا حدودی توضیح دادید. به نظر شما این اوضاع چه وظایفی مقابل نیرو های انقلابی قرار می دهد؟

پاسخ: ببینید همان طور که گفتیم جمهوری اسلامی زاده همین امپریالیستها و به خصوص امپریالیسم امریکا ست که در کنفرانس گوادلوپ برای سرکوب انقلاب مردم ما به قدرت رسانده شد. به همین دلیل هم چهل ساله که امپریالیسم امریکا و جمهوری اسلامی در حالی که علیه هم شعار می دهند اما دست در دست هم علیه مردم ایران و منطقه در حال دسیسه چینی هستند. بنابراین اولین وظیفه هر نیروی انقلابی افشای این رابطه و نشان دادن تنیدگی فی مابین آن ها به رغم رجز خوانی هایشان می باشد. نباید گذاشت کارگران و زحمتکشان فریب تبلیغات دروغین آن ها را بخورند و هویت مستقلی

برای جمهوری اسلامی قائل بشوند که در واقع، فاقد آن می باشد. واقعیت این است که امپریالیستها دشمنان اصلی مردم ما می باشند که در چهل سال گذشته از رژیم جمهوری اسلامی که مانع اصلی دستیابی مردم ما به آزادی است، حمایت کرده اند. بنابراین مردم ما نباید انتظار هیچ گونه کمکی از دشمنان اصلی خود داشته باشند و هر نیروی هم سرنوشت خودش را به چنین کمک هائی گره بزند جز رسوائی چیزی نصیبش نخواهد شد. همچنین باید این آگاهی را به میان توده ها برد که بدون نابودی نظام سرمایه داری حاکم امکان رسیدن به آزادی وجود ندارد. در نتیجه آن نیرو هائی که نابودی نظام سرمایه داری را در دستور کار خودشان قرار ندادند و یا نمی دهند، در واقع نمی خواهند و نمی توانند در جهت آزادی کارگران و ستمدیدگان گام بردارند.

ما باید به روشنی برای کارگران و ستمدیدگان توضیح بدهیم که از آن جا که جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیستش دشمنان اصلی مردم ما هستند، مردم ما زمانی می توانند به آزادی و دمکراسی و رفاه دست پیدا کنند که جمهوری اسلامی و سلطه امپریالیسم را در این کشور نابود کرده باشند. بنابراین، وظیفه همه کمونیستها و نیرو های انقلابی است که ضمن افشای واقعیت رابطه جمهوری اسلامی با امپریالیستها، با تمام قوا جهت سازماندهی کارگران و زحمتکشان گام برداشته و انرژی انقلابی آن ها را در راستای نابودی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری وابسته کانالیزه بکنند.

پرسشگر کانال بذر های ماندگار: رفیق سنجری با این که وقتمان به پایان رسیده اما پرسشهایمان تمام نشده بنابراین با تشکر مجدد از شما که پاسخگوی پرسش های کانال بذر های ماندگار، کانال تلگرامی چریکهای فدائی خلق ایران بودید، امیدوارم که در فرصت دیگری پرسشهای مربوط به این بحث را پیگیری کنیم. شاد و پیروز باشید.

رفیق سنجری: متقابلا از شما سپاسگزارم که این گفتگو را سازمان دادید و همین طور باید از شنوندگان عزیزتان که حوصله کردند و این گفتگو را دنبال کردند تشکر کنم. به امید ادامه این بحث در فرصت های دیگر.

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۳۹، خرداد ماه ۱۳۹۸

یادداشت:

این مطلب به علت سلطه زبان گفتار بر آن، ویراستاری نشده است.

اداره پورتال AA-AA